

کتاب، کتابخانه، کتابخوان . . .



طرحی نو در بازسازی فعالیت‌های کتابخانه‌ای مدارس ابتدایی

● جواد محقق

اشاره

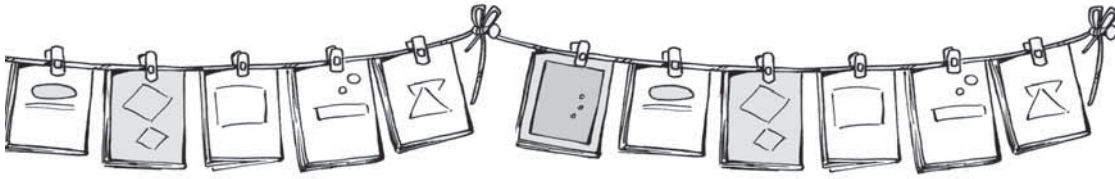
پس از چاپ نخست این مقاله در یکی از مجلات آموزشی رشد، علاوه بر بعضی تماس‌های تشویقی دوستان و همکاران، مسئولان محترم آموزشی چند منطقه‌ی تهران و یکی دو استان کشور هم از نویسنده خواستند، مشروح همین حرف‌ها را، به صورت برگزاری کارگاه یا سخنرانی، در اختیار مدیران و معهود کتابداران آن‌ها بگذارند. اگرچه به دلیل پاره‌ای گرفتاری‌ها نتوانستم در خدمت همه‌ی آن مسئولان دل‌سوز باشم، اما حسن استقبال نشان می‌داد، کم نیستند کسانی که مایل‌اند، معضل کتابخانه‌های مدارس و کتاب‌خوانی بچه‌ها را به نوعی حل کنند. کسانی که ظاهراً از ادامه‌ی شیوه‌های تشویقی گذشته طرفی نبسته‌اند و راهکار دیگری هم نمی‌شناسند. به همین دلیل، مختصر تجربه‌های شخصی این معلم کوچک، در چشمشان بزرگ آمده و آن را به چشم راهکاری عملی برای رفع این مشکل نگریسته‌اند. با سپاس از همه‌ی علاقه‌مندان به کتاب و به‌ویژه نهادهای کتابخوانی در میان معلمان و دانش‌آموزان، مقاله‌ی یاد شده، با اندک اصلاحاتی، تقدیم می‌شود. شاید در این فرصت، مکتوب تجربه‌های دیگر دوستان هم برسد و راهی تازه‌تر در چشم انداز این معضل بگشاید. چنین باد.

ج ۳۰

۱۶/۱۷ ۹۱۹۱

پاییز و زمستان ۱۳۸۵





مقدمه

کتابخانه‌های مدارس ابتدایی، از نظر نوع و تعداد کتاب و نیز مخاطبان و مراجعان، با کتابخانه‌های دیگر دوره‌های آموزشی و همچنین سایر کتابخانه‌های عمومی تفاوت‌هایی دارند که بی‌توجهی به آن‌ها می‌تواند بی‌میلی دانش‌آموزان را به مطالعه، در پی داشته باشد. در مقاله‌ی حاضر، این تفاوت‌ها را به ایجاز باز می‌گوییم و راه‌حل‌های پیشنهادی را، که عموماً در سال‌های معلمی، خود ابداع و تجربه کرده‌ام، به اختصار شرح می‌دهم. گفتنی است که پاره‌ای از این روش‌ها را در بازدیدهایی که از کتابخانه‌های مدارس ابتدایی بعضی از استان‌ها داشته‌ام، با همکاران مسؤول مدرسه یا کتابخانه در میان نهاده‌ام و بعضی از آن‌ها در تماس‌های بعدی اقرار کرده‌اند که این راه‌حل‌ها، با همه‌ی سادگی، تأثیر قابل توجهی در افزایش میزان استقبال دانش‌آموزان از کتاب و کتابخانه و کتابخوانی داشته‌اند. طبیعی است که تجربه‌های دیگر همکاران در این زمینه، در صورت نوشته شدن و چاپ، می‌تواند باعث بهره‌وری بیش‌تر کتابخانه‌های دبستانی شود.

تفاوت‌ها و مشکلات

الف) کتاب‌های مخصوص کودکان (به استثنای دایرةالمعارف‌ها، لغت‌نامه‌ها و امثال آن) معمولاً قطع و قطر و اندازه‌ی متفاوتی با کتاب‌های دیگر گروه‌های سنی دارند. قطع آن‌ها بیشتر خشتی (به شکل مربع) است و در اندازه‌های متفاوت و با قطرهای مختلف چاپ می‌شوند. (جدول ش ۱)
ب) تعداد صفحات کتاب‌های کودکان معمولاً از ۱۲ تا ۲۴ صفحه است و به ندرت به ۳۲ صفحه (یک فرم) یا بیش‌تر می‌رسد.
ج) به دلایل فوق، صفحات کتاب‌های این گروه‌های سنی، به جای ته‌دوخت یا ته‌چسب، با مفتول‌های سیمی به هم دوخته می‌شوند.
د) بیش‌تر این کتاب‌ها جلد نرم و معمولی دارند و در صحافی آن‌ها کم‌تر از جلد‌های سخت استفاده می‌شود.

ویژگی‌های فوق در کتاب‌های کودکان باعث بروز مشکلاتی می‌شود که از آن جمله است:

۱. نداشتن عطف و مشکل شناسایی

به قسمتی از کتاب که دو رویه‌ی جلد را به هم متصل می‌کند، «عطف» می‌گویند. وقتی صفحات کتابی کم باشد و به صورت مفتولی هم دوخته شود، در واقع عطف ندارد. یعنی، برای چاپ اسم اثر یا نویسنده، در قسمت بیرونی کتاب جایی، جز روی جلد، وجود ندارد. در نتیجه، کتاب‌های کودکان در صورت قرارگرفتن در قفسه، قابل تشخیص، تفکیک و شناسایی نیستند.

۲. بدنمایی و کراهت منظر

کتاب‌های کودکان چون کم‌حجم هستند و قطع و قطر و اندازه‌های متنوعی دارند، وقتی کنار هم چیده می‌شوند، به خاطر کوتاهی و بلندی و پس و پیشی عطفشان، نمایش منظم و چشم‌نوازی ندارند و نگاه کردن به آن‌ها، خلاف قفسه‌های کتاب بزرگسالان، لذت‌بخش نیست.

این راه‌حل‌ها
با همه‌ی سادگی
تأثیر قابل توجهی
در افزایش
میزان استقبال
دانش‌آموزان
از کتاب و کتابخانه
و کتابخوانی
داشته‌اند

۱۹/۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵





۳- غش کردگی و عدم تعادل

این کتاب‌ها به دلیل صفحات کم و جلدهای نرم، عموماً قدرت ایستادن ندارند و در جهت عکس چپش غش می‌کنند و نامنظمی قفسه‌ها را تشدید می‌نمایند و احساس عدم تعادل را در کودک دامن می‌زنند.

مشکلات یاد شده باعث می‌شوند، هنگامی که کودکان در برابر قفسه‌های کتابخانه‌ی مدرسه‌شان قرار می‌گیرند، هم قدرت تشخیص، تفکیک و شناسایی کتاب‌های مورد علاقه‌شان را نداشته باشند و هم از تماشای منظر بیرونی آن لذت نبرند؛ به خصوص اگر وقت، حوصله، امکان یا اجازه‌ی گشتن یا دست‌زدن به آن‌ها را هم نداشته باشند. همین‌ها برای از بین بردن شوق مطالعه و کتابخوانی کافی است.

مدرسه‌ها چه می‌کنند؟

بیشتر مسؤولان مدارس برای رفع این مشکلات راه‌حل خاصی ندارند. مهم‌ترین کاری که آن‌ها براساس آموخته‌ها یا به تقلید از گذشتگان انجام می‌دهند، این است که فهرستی از کتاب‌های موجود در کتابخانه را بنویسند و در راهروی مدرسه روی دیوار نصب کنند؛ به این امید که بچه‌ها با مراجعه‌ی به آن، کتاب‌های مورد علاقه یا نیازشان را پیدا کنند و از مسؤول کتابخانه بخواهند. اما این فهرست‌ها، خود مشکلات متعددی دارند که کارایی آن‌ها را به حداقل می‌رساند. مهم‌ترین این مشکلات عبارتند از:

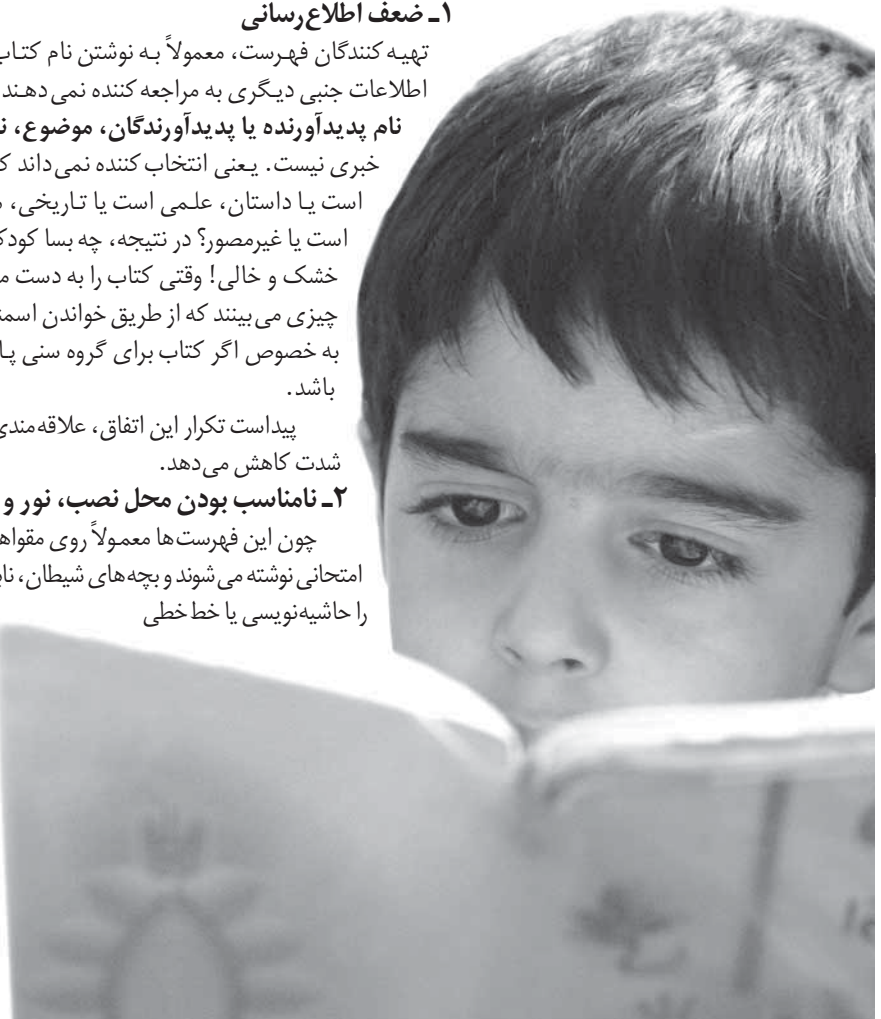
۱- ضعف اطلاع‌رسانی

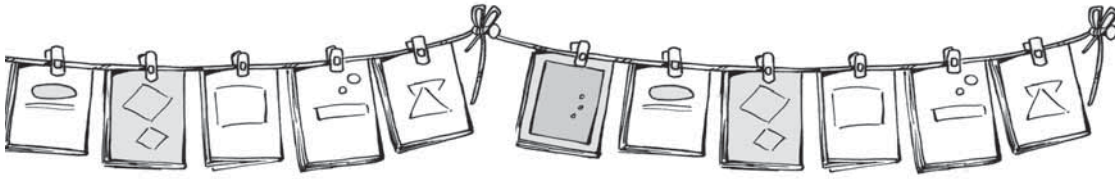
تهیه‌کنندگان فهرست، معمولاً به نوشتن نام کتاب‌ها اکتفا می‌کنند و هیچ‌گونه اطلاعات جنبی دیگری به مراجعه‌کننده نمی‌دهند. در بیش‌تر این فهرست‌ها، از نام پدیدآورنده یا پدیدآورندگان، موضوع، نوع اثر و گروه سنی مخاطب خبری نیست. یعنی انتخاب‌کننده نمی‌داند کتاب‌های شماره‌ی فلان، شعر است یا داستان، علمی است یا تاریخی، مذهبی است یا هنری و مصور است یا غیرمصور؟ در نتیجه، چه بسا کودکانی که پس از انتخاب یک نام خشک و خالی! وقتی کتاب را به دست می‌آورند، آن را کاملاً متفاوت با چیزی می‌بینند که از طریق خواندن اسمش در فهرست تصور می‌کردند؛ به خصوص اگر کتاب برای گروه سنی پائین‌تر یا بالاتر از خودشان هم باشد.

پیداست تکرار این اتفاق، علاقه‌مندی کودک را به کتاب و مطالعه، به شدت کاهش می‌دهد.

۲- نامناسب بودن محل نصب، نور و زاویه‌ی دید

چون این فهرست‌ها معمولاً روی مقوای بزرگ یا ورق‌های معروف به امتحانی نوشته می‌شوند و بچه‌های شیطان، نابهنجار یا بی‌احتیاط مدرسه، آن‌ها را حاشیه‌نویسی یا خط‌خطی می‌کنند، مسؤولان مدرسه ناچار آن‌ها را بالاتر از قد و قواره‌ی بچه‌ها نصب می‌کنند و رویشان را هم با لایه‌ای از





پلاستیک جلد می پوشانند؛ بی آن که بدانند با این روش، استفاده از فهرست به حداقل می رسد. چرا که اولاً بچه ها، به خصوص کوچک ترها، توان خواندن قسمت های بالایی صفحات فهرست را ندارند و ثانیاً، انعکاس تابش نورهای طبیعی یا مصنوعی راهرو بر سطح پلاستیک روی فهرست، مانع دیده شدن همه ی قسمت های آن می شود؛ به خصوص که بچه ها، به خاطر کمبود وقت و شلوغی پای فهرست، امکان تغییر زاویه ی دید هم نداشته باشند.

۳- بدخطی یا اندازه ی نامناسب حروف

فهرست ها معمولاً به وسیله ی یکی از دانش آموزان مثلاً خوش خط مدرسه نوشته می شوند. وقتی خوش خطی در بیش تر مدرسه های امروز حکم کیمیا را دارد، معلوم است که خط فهرست چه از آب درمی آید. نتیجه این که بسیاری از دانش آموزان توانایی خواندن آن را ندارند؛ به خصوص که اندازه ی حروف هم متناسب با فاصله ی چشم نویسنده ی فهرست تا صفحه ی موردنظر است نه چشم خواننده تا فهرست روی دیوار! یعنی ملاک او برای ریزی یا درشتی حروف به هنگام نوشتن فهرست، فاصله ی سی سانتی متری چشم خودش با صفحه ی روی میز است، نه فاصله ی هفتاد تا یکصد سانتی متری چشم مراجعه کننده تا فهرست روی دیوار!

۴- زمان کم، تجمع زیاد

مراجعه به فهرست و انتخاب کتاب، بیش تر در زنگ های کوتاه تفریح اتفاق می افتد. یعنی بچه ها در زمانی کوتاه و به صورت گروهی، باید جلوی فهرست ناخوانا و کم اطلاعات بایستند و دنبال کتابی بگردند که نمی دانند چیست و در چه زمینه ای است و به کدام گروه سنی تعلق دارد! اگر به این وضع، انعکاس نور نامناسب راهرو بر روکش پلاستیکی و هل دادن و کشمکش و بی حوصلگی کودکان و نیاز به دستشویی و خوردن تنقلات و امثال آن در زنگ تفریح را هم بیفزاییم، ناسودمندی چنین فهرست هایی بهتر درک می شود.

به راستی اگر این ده پانزده معضل کوچک و بزرگ را با نداشتن عادت به مطالعه، نبودن فضای مناسب کتابخوانی در مدرسه، بی توجهی اولیا و مسؤولان کتابخوان به کتابخوانی، محدودیت عنوان کتاب ها، سنگینی برنامه های درسی و نداشتن کتابدار دلسوز و آگاه را کنار هم بگذاریم، نه هفت خوان، که هفتاد خوانی می شود که حتی رستم های عرصه ی مطالعه هم نمی توانند به راحتی از آن عبور کنند، چه رسد به کودکان مظلوم و معصوم ما در مدارس که مجذوب شبکه های گوناگون تلویزیون و انواع و اقسام بازی های رایانه ای و جاذبه های ورزش و تفریح و مهمانی و پارک و هزار دل مشغولی دیگرند.

چه باید کرد؟

برای رفع یا کاهش این مشکلات، طرح های کلی و برنامه های بلندمدت و میان مدت زیادی می شود نوشت که معمولاً پرتاب سنگ در تاریکی است، اما آنچه در عمل مفید می نماید و راه برنامه ریزی های بلندمدت را هم هموارتر می کند، کارهای کوچک، ساده و تجربه شده ای هستند که با امکانات موجود، در حداقل زمان، قابل اجرا و عملی شدن آن ها به حواله تاریخی و برنامه ریزی کلان و چند دهه فرصت سوزی برای امکانات دست نیافتنی و بودجه ی آن چنانی نیاز ندارد. هر معلم و مدیر متعهد و مسؤولیت شناسی با صرف چند ساعت فکر و یک هفته تلاش، می تواند تغییر و تحول ملموسی را در فعالیت های کتابخانه ای حوزه ی کارش پدید بیاورد.

بچه ها

در زمانی کوتاه

و به صورت گروهی

باید جلوی

فهرست ناخوانا

و کم اطلاعات بایستند

و دنبال کتابی بگردند

که نمی دانند چیست

و در چه زمینه ای است

و به کدام گروه سنی

تعلق دارد!

۱۶/۱۷ ۹۰۱۷

پاییز و زمستان ۱۳۸۵



چند پیشنهاد ساده

نویسنده، راه‌حل‌های پیشنهادی را به تناوب، در سال‌های متفاوت معلمی خود در شهرها و روستاهای کشور، به تناسب شرایط و امکانات موجود، به صورت منفرد یا ترکیبی به اجرا گذاشته و نتایج قابل قبولی گرفته است. طبیعی است که دیگر معلمان ارجمند می‌توانند، این تجربه‌ها را تکمیل و اصلاح کنند و راه‌حل‌های باز هم بهتری ارائه دهند.

الف) فهرست‌نویسی

تهیه‌ی فهرست‌های کلاسی، متناسب با گروه‌های سنی الف، ب و ج به صورت موضوعی با خط خوش و ترجیحاً تایپ شده، بهتر است این فهرست‌ها روی ورقه‌های سوراخ‌دار کلاسور، تایپ یا نوشته و داخل پاکت‌های پلاستیکی گذاشته شوند تا سالم و تمیز بمانند. فهرست‌های کلاسی و کلاسوری می‌توانند اطلاعاتی اضافه بر نام کتاب را هم داشته باشند و در مواقع لازم، مثل ورقه‌های امتحانی، سرکلاس بین بچه‌ها تقسیم شوند تا دانش‌آموزان، بدون جابه‌جایی فیزیکی و در آرامش کامل، میز به میز و ردیف به ردیف آن‌ها را بخوانند و کتاب‌های انتخابی‌شان را یادداشت کنند.

در این شیوه، دانش‌آموز می‌تواند، چند کتاب یا همه‌ی کتاب‌های مورد علاقه‌اش را، در یک نوبت فهرست کند و در طول سال، به مرور آن‌ها را به امانت بگیرد و از مراجعه‌ی چندباره به فهرست بی‌نیاز شود.

موضوعی بودن فهرست، تناسب آن با گروه سنی و فرصت کافی برای انتخاب، به سلیقه‌های مختلف دانش‌آموزان پاسخ مثبت می‌دهد و امکان دسترسی به کتاب‌های مورد علاقه‌شان را، به راحتی و با شناخت بیشتر، فراهم می‌آورد و شور و شوق مطالعه را در آن‌ها افزایش می‌دهد. در ضمن، راهرو مدرسه از شلوغی و دیوارهایش هم از تخریب با بدنمایی حاصل از نصب فهرست‌ها در امان می‌ماند.

ب) چینش کتاب‌ها

بهتر است به جای آن‌که کتاب‌ها را به روش مرسوم در قفسه‌ها بچینیم، آن‌ها را به صورت نمایشگاهی در معرض دید دانش‌آموزان قرار بدهیم. یعنی به گونه‌ای که بچه‌ها بتوانند روی جلد کتاب را ببینند. در ضمن، سیستم بسته‌ی کتابخانه را هم به سیستم باز تبدیل کنیم تا بچه‌ها امکان و اجازه‌ی برداشتن و تورق کتاب‌ها را، بدون دخالت معلم و مربی یا کتابدار داشته باشند. این راهکار، با توجه به شرایط و امکانات هر مدرسه، قابل تغییر و اصلاح است. مثلاً، اگر محل مستقلاً برای کتابخانه وجود داشته باشد، می‌توان دور تا دور اتاق را با میز و نیمکت‌های اسقاط و اضافی مدرسه، به صورت «نمایشگاهی دائمی با دو سطح متفاوت» درآورد. (تصویر شماره ۱) از سطوح متفاوت هم می‌شود برای تقسیم‌بندی کتاب‌ها از نظر سنی، موضوعی، و... استفاده کرد.

در این شیوه، بچه‌ها با مراجعه‌ی مستقیم به کتاب‌ها، با چگونگی طراحی‌های متفاوت روی جلد، عنوان‌های گوناگون آثار و اسامی انبوه پدیدآورندگان (نویسنده، شاعر، مترجم، نقاش و...) آشنا می‌شوند و با تورق چند دقیقه‌ای آن‌ها، به محتوای کتاب‌ها پی می‌برند و غیرمستقیم، از طریق مقایسه‌ی عینی، تفاوت‌های فهرست‌نویسی، مقدمه‌چینی، فصل‌بندی، تصویرگری و نیز؛

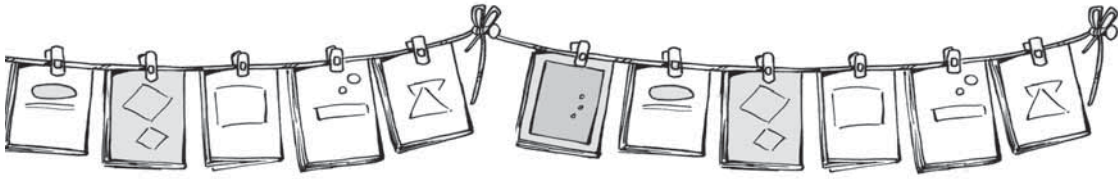


سیستم بسته‌ی کتابخانه را هم به سیستم باز تبدیل کنیم تا بچه‌ها امکان و اجازه‌ی برداشتن و تورق کتاب‌ها را بدون دخالت معلم و مربی یا کتابدار داشته باشند

۱۶/۱۷ ۹۱۹۳

پاییز و زمستان ۱۳۸۵





نوع کاغذ، اندازه‌ی حروف و مانند آن‌ها را در کتاب‌های گوناگون درمی‌یابند. دست آخر هم با انتخاب کتاب مورد علاقه‌شان، سرشار از دریافت‌های تازه، راضی و خشنود باز می‌گردند.

چند نکته

■ در صورتی که عنوان کتاب‌ها بیش‌تر از فضا باشد، می‌توان هر هفته یا هر ماه یکی دو موضوع را، به صورت مناسبی و غیرمناسبتی، انتخاب کرد و کتاب‌های مربوط به آن‌ها را به نمایش گذاشت.

■ در مناسبت‌های ملی و مذهبی می‌توان با کتاب‌های موجود مدرسه یا کتاب‌های امانتی دانش‌آموزان، روی میز پینک‌پنگ مدرسه یا چند میز کلاسی چسبیده به هم نمایشگاه کوچک موضوعی ترتیب داد.

■ اگر مدرسه میز و نیمکت اضافی یا به اندازه‌ی مورد نیاز نداشته باشد، می‌توان از شیوه‌ی «بند رخت» استفاده کرد. برای این کار، مقداری نخ پلاستیکی تهیه و فاصله‌ی دیوارهای مناسب اتاق یا راهرو را با آن بندکشی می‌کنیم. بعد، کتاب‌ها را از وسط باز می‌کنیم و روی آن‌ها می‌اندازیم. (تصویر شماره ۲) تنها عیب این روش آن است که بچه‌ها باید برای خواندن نام و دیگر نوشته‌های روی جلد کتاب‌ها، اندکی گردنشان را به سمت چپ کج کنند. برای رفع این اشکال می‌توان کتاب‌ها را با گیره‌های فلزی یا پلاستیکی به صورت عمودی از بند آویزان کرد. (تصویر شماره ۳) البته این روش هم بی‌عیب نیست، چرا که برداشتن و نصب دوباره‌ی کتاب‌ها برای همه‌ی دانش‌آموزان کمی سخت می‌شود و ممکن است از خیر توریق آن‌ها بگذرند. زیرا اگر بندها را خیلی بالاتر از ارتفاع قدبچه‌ها ببندیم، دستشان به آن‌ها نمی‌رسد و اگر پایین‌تر ببندیم سرشان به کتاب‌ها گیر می‌کند و ناچار باید برای عبور از زیر بندکتاب‌ها خم شوند و همین حس ناخوشایندی در آن‌ها به وجود می‌آورد که اقبال از گشت‌وگذار در میان کتاب‌ها را کم می‌کند. گاهی هم موجب شوخی و شیطنت آن‌ها در «هد» زدن به کتاب‌ها می‌شود! به همین دلیل:

بندکشی روی دیوارها بر بندکشی وسط اتاق ترجیح دارد. زیرا باعث می‌شود:

۱. ارتفاع بند با قد و قواره‌ی بچه‌ها تنظیم شود و بندکشی مانع عبور و مرور نشود.
۲. کتاب‌ها به دلیل چسبیدن به دیوار نوسان نداشته باشند.
۳. امکان بندکشی‌ی بیش از یک ردیف وجود داشته باشد.
۴. هنگام بردن احتمالی بند، کتاب‌ها وسط اتاق و روی سر و صورت مراجعان نریزند.
۵. در صورت سنگینی کتاب‌ها بتوان بندها را

در مناسبت‌های ملی و مذهبی می‌توان روی میز پینک‌پنگ مدرسه نمایشگاه کوچک موضوعی ترتیب داد





تنوع قطع در کتاب‌های کودکان و نوجوانان

۱۲×۲۰	در یک جمع‌بندی
۱۳×۱۹	کلی، عرض کتاب‌ها از
۱۳×۲۰	۱۲ تا ۲۴ و طول
۱۵×۱۵/۵	آن‌ها از ۱۵ تا ۲۹
۱۵/۵×۱۶	سانتی‌متر متغیر است.
۱۶×۱۶	
۱۶/۵×۲۱/۵	
۱۷×۱۹	■ اگرچه همه‌ی این
۱۷×۱۹/۵	اندازه‌ها استاندارد
۱۷×۲۲/۵	نیست و به
۱۹×۲۷	سهل‌انگاری ناشر و
۲۱×۲۱	چاپخانه مربوط است،
۲۱×۲۴/۵	اما به هر حال، چینش
۲۱/۵×۲۸/۵	کتاب‌ها در قفسه‌های
۲۲×۲۲	کتاب را دچار
۲۲×۲۳	مشکلاتی می‌کند که
۲۲×۲۴	بدنمایی و کراهت
۲۲×۲۹	منظر، نمونه‌هایی از آن
۲۴×۲۴	است.

از وسط با میخ‌های بیش‌تری مهار کرد.
 ■ اگر مدرسه، محلی برای کتابخانه نداشته باشد، می‌توان شیوه‌ی نمایشگاهی را به صورت منفرد یا ترکیبی، در ایام خاص و به‌طور موقت در راهرو مدرسه پیاده کرد.

■ اگر امکانات مالی یا فنی مدرسه اجازه بدهد، می‌توان از استندهای طبقه‌ای شیب‌دار (طاقچه‌های کم‌عمق خوابیده به جلو) که در سال‌های اخیر متداول شده‌اند و در نوع‌های چوبی، فلزی، پلکی و... ساخته و فروخته می‌شوند، استفاده کرد. این طبقات به دلیل قابلیت نصب موقت روی دیوارها و جمع‌شدن سریع، کارایی خوبی دارند.

تجربه نشان داده است که مراجعان، از کتابخانه‌های با سیستم باز و نمایشگاهی استقبال بیش‌تری می‌کنند. به‌خصوص در سنینی که به دلیل نداشتن عادت مطالعه، حوصله‌ی جست‌وجو در فهرست‌های مرسوم و متداول را ندارند. در شیوه‌های مراجعه‌ی مستقیم، دانش‌آموزان امکان توری کتاب‌های متفاوتی را دارند و همین قدرت انتخابشان را بالا می‌برد و شور و شوق و کنجکاو‌ی‌شان را برای مطالعه‌ی بیش‌تر افزایش می‌دهد. مهم‌تر از آن، دانش‌آموزان با کتاب‌ها و منابعی آشنا می‌شوند که گرچه در آن لحظه نیازی به مطالعه‌ی آن‌ها حس نمی‌کنند، اما به دلیل ذخیره‌شدن در حافظه، می‌توانند در فرصت‌های بعدی آن‌ها را برای مطالعه به یاد بیاورند.

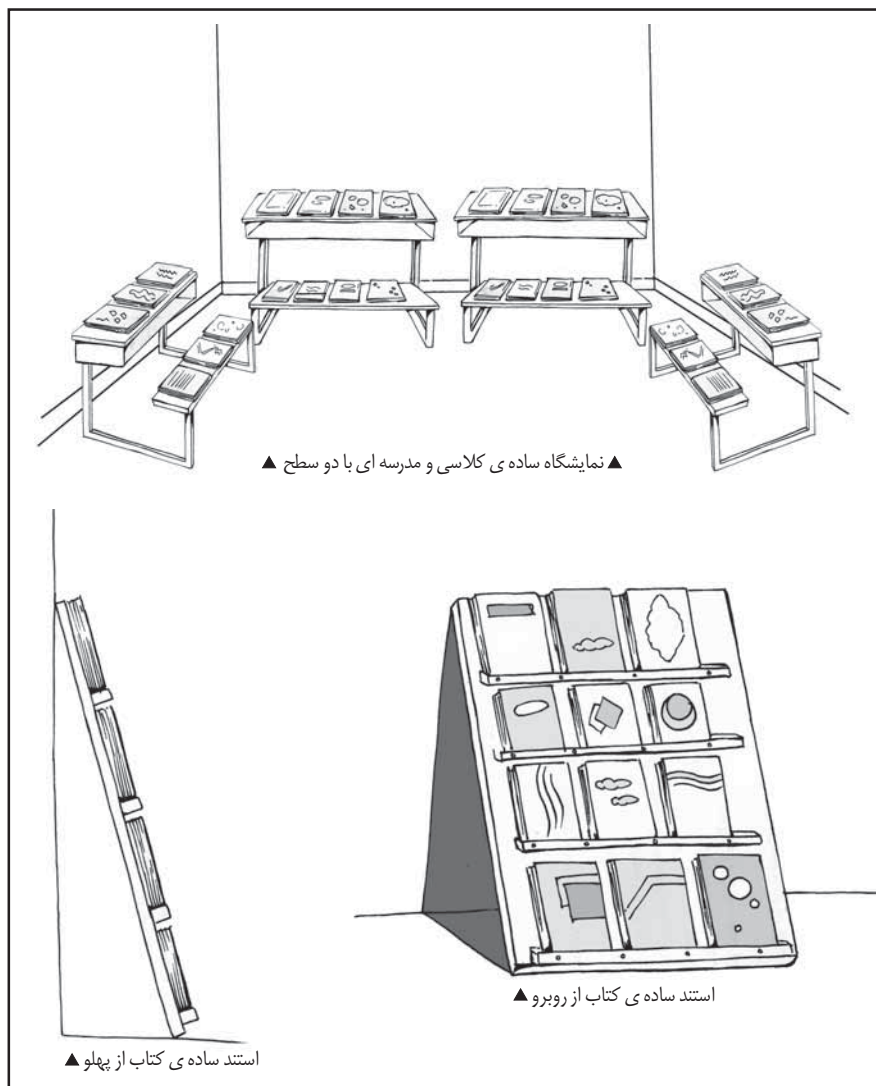
برنامه‌های جنبی

با کمک بچه‌ها و اولیایشان می‌توان عکس و زندگی‌نامه‌ی کوتاهی از شاعران، نویسندگان، مترجمان و تصویرگران کتاب‌های کودکان را تهیه و در معرض دید بچه‌ها نصب کرد. این عکس و شرح حال‌ها اگر درباره‌ی پدیدآورندگانی باشند که کتاب‌هایشان در کتابخانه‌ی مدرسه موجود است، انگیزه‌بخشی بیش‌تری خواهند داشت. نحوه‌ی ارائه‌ی آن‌ها هم می‌تواند به گونه‌ای باشد که در سال‌های بعد و حتی در مدرسه‌های دیگر هم قابل استفاده باشد. در صورتی که چند مدرسه با هم تقسیم کار کنند، زحمت کار، کاهش و بهره‌وری برنامه‌ها چند برابر می‌شود.

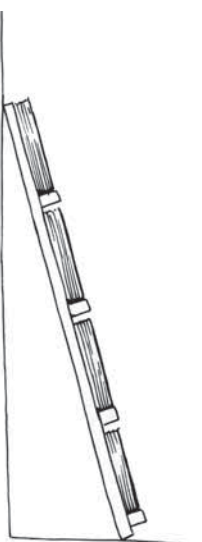
همچنین می‌توان در هر ماه یا فصل، یکی از پدیدآورندگان کتاب را به مدرسه دعوت کرد تا بچه‌ها با آن‌ها آشنا شوند و از طریق پرسش و پاسخ، نیازهای اطلاعاتی خود را برطرف کنند و با شنیدن خاطرات دوره‌ی کودکی و نوجوانی آن‌ها، بفهمند که خودشان هم با اندکی تلاش - در صورت داشتن استعداد - می‌توانند ناشر، شاعر، نویسنده یا هنرمند شوند.

حرف آخر

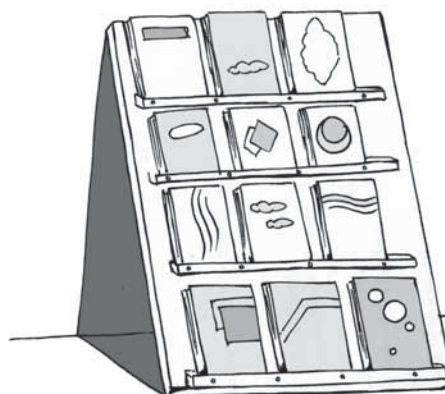
- طبیعی است که جذابیت این فعالیت‌ها، بستگی زیادی دارد به:
۱. میزان علاقه، ذوق و سلیقه‌ی مسؤولان مدرسه یا کتابخانه.
 ۲. قدرت استفاده از ظرفیت مشارکت‌پذیری بچه‌ها و اولیای آن‌ها.
 ۳. دقت در طراحی صحیح عرصه‌های نمایشی از نظر نظم، ظرافت، زیبایی، رنگ و چیدمان.



▲ نمایشگاه ساده‌ی کلاسی و مدرسه‌ای با دو سطح ▲



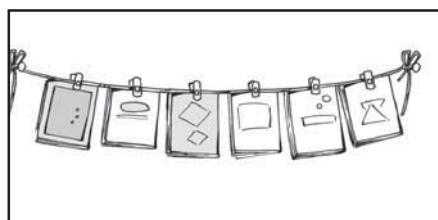
▲ استند ساده‌ی کتاب از پهلوی ▲



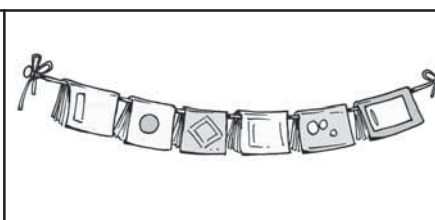
▲ استند ساده‌ی کتاب از روبروی ▲

۱۶/۱۷ ۹۰۱۹۲
پاییز و زمستان ۱۳۸۵

▲ تصویر شماره ۱ ▲



▲ تصویر شماره ۳ ▲



▲ تصویر شماره ۲ ▲